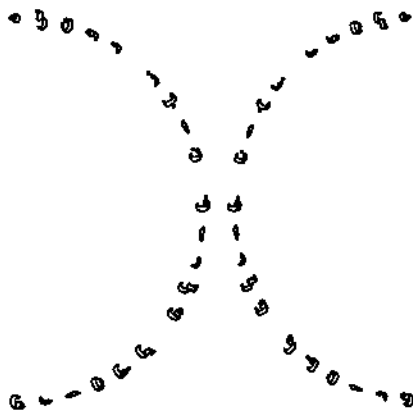


رستور زبان فارسی گفتاری

دکتر تقی وحیدیان کامیار



وحیدیان، تقی، ۱۳۱۳ -
دستور زبان فارسی گفتاری / تقی وحیدیان کامیار. - تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۳.
ISBN 964 - 439 - 029 - 6
[۸]، ۱۳۵ ص: جدول.
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. فارسی گفتاری. ۲. فارسی - - دستور. الف. عنوان.
۴۶۵ PIR ۲۶۸۸ / و ۳ د ۵۴
کتابخانه ملی ایران
۲۰۱۱۸ - ۸۴ م

انتشارات بین‌المللی الهدی

تهران - صندوق پستی: ۴۳۶۳ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۴۰۶۲۶۱ فاکس: ۶۴۰۶۲۴۰



نام کتاب: دستور زبان فارسی گفتاری

تهیه کننده: مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۲ هـ ش

ناشر: انتشارات بین‌المللی الهدی

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۴۳۹ - ۰۲۹ - ۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مرکز.....
۳	پیشگفتار.....
۱۳	نشانه‌های آوایی و معادل آنها.....
۱۵	۱- تغییرات آوایی در فارسی گفتاری.....
۱۸	تغییرات تابع قاعده.....
۲۰	تغییرات واژگانی بی‌قاعده.....
۲۲	ویژگی‌های آوایی.....
۲۵	۲- صرف و نحو.....
۲۵	جمله مستقل.....
۲۵	اجزای جمله.....
۲۶	گروه فعلی.....
۲۷	بن فعل.....
۳۱	شناسه.....
۳۳	ماضی‌های غیر نقلی.....

- ۳۵ ماضی‌های نقلی
- ۳۶ مضارع
- ۳۷ فعل وصفی
- ۳۹ فعلهای ساده مرکب پیشوندی
- ۳۹ فعلهای ساده در فارسی گفتاری
- ۴۳ فعلهای خاص فارسی گفتاری
- ۴۶ فعل مرکب
- ۴۸ فعلهای پیشوندی
- ۴۹ تغییر معنی افعال
- ۵۰ لازم و متعدی - دو وجهی
- ۵۲ معلوم و مجهول
- ۵۴ فعلهای بی‌نهاد
- ۵۷ فعلهای یک شناسه
- ۵۹ جمله‌های بی‌فعل
- ۶۰ جمله‌های یک جزئی
- ۶۱ ترتیب اجزای جمله

- تغییر جای اجزای جمله در فارسی گفتاری ۶۴
- گروه اسمی ۶۵
- اسم مبهم ۶۶
- اسم جمع ۶۷
- مذکر و مؤنث ۶۷
- عام و خاص ۶۸
- کوتاه شدن اسم خاص ۶۹
- گرایش گروه اسمی به واژه ۶۹
- ساده، مشتق، مرکب ۷۳
- اتباع ۷۷
- جاندار و بی جان ۸۱
- انسان و غیرانسان ۸۳
- وابسته‌های اسم ۸۵
- مفرد و جمع ۹۰
- معانی نشانه‌های جمع ۹۲
- صفت بیانی ۹۵

۹۹	معرفه، نکره، اسم جنس
۱۰۴	تکیه جمله و اسم جنس
۱۰۸	ضمیر
۱۰۸	ضمیر شخصی
۱۱۰	فرق ضمیر جدا با ضمیر پیوسته
۱۱۴	ضمیر اشاره
۱۱۸	گروه قیدی
۱۱۹	نوای گفتار (تکیه، آهنگ، مکث)
۱۱۹	تکیه
۱۲۵	تکیه واژه در گروه
۱۲۸	تکیه واژه در جمله
۱۳۰	آهنگ
۱۳۳	منابع

سخن ناشر:

زبان مهمترین وسیله ایجاد ارتباط در بین جوامع بشری است که با وجود آن، بسیاری از نیازهای روزمره انسان از طریق ایجاد ارتباط و تعامل با هم‌نوعان و بازگوکردن احساسات و حالات درونی برای مخاطب، مرتفع و هموار می‌گردد. با توجه به نوع کلمات، عبارات، جملات و اصطلاحاتی که در محاوره‌های روزانه بکار می‌رود در واقع نوع احساسات و نیت درونی فرد بازگو خواهد شد. بنابراین اگر از این وسیله ارتباطی مهم و قوی به درستی استفاده نشود چه بسا مشکلاتی را بوجود آورد و مخاطبی که با نوع گویش یک جامعه آشنایی کامل ندارد را همواره در فکر فرو برده و او را در برداشت معنای عبارات گوینده به اشتباه اندازد.

اگر چه در جوامع و محافل رسمی از کلمات، عبارات و اصطلاحات معمول و رایج زبان فارسی استفاده می‌شود ولیکن در بعضی از اجتماعات غیررسمی مانند جمع خانواده، دوستان و آشنایان گاهی اوقات از واژه‌ها و لغاتی استفاده می‌شود که یک ارتباط عاطفی میان مخاطب و گوینده برقرار می‌کند که شاید این واژه‌ها و الفاظ برای مخاطب ناآشنا با این شیوه گفتاری، ابهام‌انگیز باشد.

انتشارات بین‌المللی الهدی از قدیم الایام در راستای معرفی فرهنگ، هنر و تمدن کهن ایران به منظور آشنایی هر چه بیشتر نوآموزان زبان فارسی فعالیت کرده و اهتمام به انتشار کتب فراوانی در این زمینه نموده است تا زبان‌آموزان محترم با آشنایی بیشتر از نحوه بکارگیری صحیح کلمات، واژه‌ها، عبارات و آهنگ کلام بتوانند در ایجاد ارتباط و تعامل با دیگران، بهره‌گیری نمایند.

انتشارات بین‌المللی الهدی

مقدمه :

زبان شیرین فارسی به یمن داشتن بزرگانی چون حافظ ، مولوی و سعدی و و محتوای غنی فرهنگی ، دانش پژوهان و ادب دوستان بی شماری را به خود جلب کرده است که برای آشنایی هرچه بیشتر با این زبان و فرهنگ در دانشگاهها و مراکز آموزشی به فراگیری زبان و ادبیات فارسی روی می آورند. از اینرو، مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در پاسخ به نیازهای فارسی آموزان و در راستای تقویت زبان و ادبیات فارسی و هموارتر کردن راه آموختن این زبان اقدام به تهیه کتاب دستور زبان فارسی گفتاری کرده است. این مرکز با امید به سودمندی این کتاب از ارائه نظر صاحب نظران و استادان ارجمند استقبال می کند.

مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی

دستور زبان گفتاری

پیشگفتار:

فارسی گفتاری، زبان گفتاری تحصیل کردگان ایران است؛ به عبارت دیگر دو فارسی معیار یا رسمی وجود دارد: یکی فارسی نوشتاری رسمی که مکتوبات به آن فارسی است؛ دیگر فارسی گفتاری رسمی که تحصیل کردگان در گفتار، بویژه هر گاه بخواهند رسمی صحبت کنند، از آن بهره می‌گیرند. فارسی گفتاری در تهران و کمابیش در شهرستانها رایج است. فارسی نوشتاری و فارسی گفتاری هر دو ادامه فارسی دری است؛ یعنی زبان مردم تیسفون، شهری که اشکانیان آن را ساختند و زبان خود را، یعنی زبان نسا و طوس و بلخ و نیشابور... را در آنجا رایج کردند.^۱ این فارسی در دوره ساسانی نیز زبان مردم تیسفون و زبان دربار و زبان رسمی دیوانی همه ایران بود.

پس از اسلام که حکومت‌های ایرانی از میان رفت، کم کم اهل فضل و دانش به زبان عربی توجه کردند، چندانکه وقتی یعقوب لیث به حکومت خراسان رسید، شاعران او را به عربی ستودند و او چون عربی نمی‌دانست، گفت: «چیزی که من

۱ - تقی وحیدیان کامیار: «خاستگاه زبان دری فارس یا خراسان؟»، ویژه‌نامه مجمع علمی

تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، مشهد، ۲۰ تا ۲۲ مردادماه ۱۳۷۸، ص ۲۳.

اندر نیابم چرا باید گفت.» از آن زمان شاعران به فارسی شعر سرودند و نویسندگان به فارسی نوشتند، ولی کدام فارسی؟ مسلماً این فارسی یکی از گویشهای خراسان یا سیستان نبود. گویشهای خراسان (از جمله شعر کودکان بلخ و هجویهٔ ملکهٔ بخارا) گر چه در اصل همین فارسی دری بود، اما با این فارسی کمابیش تفاوت داشت. این فارسی همان فارسی دری یعنی زبان گفتاری مردم تیسفون و زبان تحصیل کردگان در سراسر کشور در پیش از اسلام است که بعد از اسلام نیز بازمانده بود (البته فارسی دری در اصل زبان مردم خراسان در دوره اشکانی است). بعد از اسلام نیز کم کم فارسی دری زبان نوشتاری رسمی شد؛ ابتدا در خراسان و سپس در سایر مناطق ایران. حتی در بخش مهمی از آسیا نیز بدان شعر سرودند و کتاب نوشتند. در کنار این فارسی نوشتاری از دیرباز فارسی گفتاری رسمی نیز بود. یعنی از زمانی که شاعران و نویسندگان، فارسی دری را زبان نوشتاری رسمی قرار دادند، رفته رفته فارسی گفتاری رسمی بوجود آمد، زیرا هر گاه زبان صاحب خط شود، به دلیل صورت مکتوب داشتن تقریباً ایستا می شود؛ حال آنکه زبان گفتار به پویایی خود ادامه می دهد، زیرا هیچ مانعی جلوی تحول آن را نمی گیرد (زبان گفتار به محض تلفظ از میان می رود و اثری از آن به جا نمی ماند). زبان گفتار پیوسته در حال تحول و تغییر است، یکی تحول درونی که طبق قانون "کم کوشی"، زبانهای زنده بسوی سادگی می روند، دوم تحول بیرونی ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی و غیره از جمله دخالت زبانهای دیگر.

در واقع اکثر تحولات و تغییرات را مردم عامی و بچه‌ها به وجود می‌آورند، زیرا آنها شناختی آگاهانه از زبان ندارند؛ لذا با تحول و تغییراتی که بتدریج در زبان به وجود می‌آید، مخالفت نمی‌کنند. پس از مدتی که این تغییرات شکل گرفت، تحصیل‌کردگان نیز آن را می‌پذیرند. یعنی این تحولات در فارسی گفتاری رسمی وارد می‌شود. البته زبان نوشتار نیز در دراز مدت تسلیم بعضی از این تغییرات می‌گردد. مثلاً کلمه «برف» در زبان اوستایی به صورت وَفْرَ (Vafra) بوده است و بعدها در زبان عامه به صورت Vafr تغییر می‌کند. بدیهی است در زبان پهلوی ابتدا خواص، با آن مخالفت می‌ورزند، اما سرانجام آن را می‌پذیرند پس از مدتی وارد زبان نوشتار نیز می‌شود. این واژه بار دیگر در زبان دری (زبان عامه دری) به صورت برف تغییر می‌یابد. طبق معمول پس از رواج، خواص، آن را می‌پذیرند و سرانجام پس از مدتی وارد زبان نوشتاری رسمی نیز می‌گردد. با این ترتیب - چنانکه گفتیم - فارسی دری از همان زمان که صورت مکتوب پیدا کرد و به خط عربی نوشته شد، رفته رفته میان این گونه مکتوب و گونه گفتاری اختلافهایی افتاد، اختلافهایی نه چندان زیاد؛ به عبارت دیگر زبان نوشتاری رسمی و گونه گفتاری رسمی، چون هر دو زبان خواص و تحصیل‌کردگان است، آنقدرها از هم دور نمی‌شوند. حتی بده بستانهای میان فارسی گفتاری و نوشتاری رسمی صورت می‌گیرد؛ اما در هر صورت با هم اختلافهایی دارند؛ مثلاً زمانی که "و" مجهول (ō) بوسیله عامه مردم به "و" معروف (u) تبدیل شد، کم‌کم در زبان گفتار رسمی نیز وارد شد؛ حال آنکه زبان نوشتار تا مدت‌ها آن را نپذیرفت و همچنان (zōr) را با گور (gōr) و کور و شور قافیه می‌ساختند و کسی آن را با

واژه‌هایی مانند نور (nur) و غرور قافیه نمی‌ساخته است. سرانجام بعضی از شاعران متهور و کم‌اعتنا تر به سنت زبانی مانند سنائی غزنوی این دو "و" را قافیه کردند.

به هر حال مدتی پس از رسمیت یافتن فارسی دری به عنوان فارسی نوشتاری به دلیل سنت‌گرایی تا حد زیادی ثابت ماند (یعنی تغییرات زبان را بسیار کند می‌پذیرفت) حال آن که فارسی گفتاری رسمی به مرور متحول شد و به عبارت دیگر ما از گذشته بسیار دور (از زمان مکتوب شدن زبان) فارسی گفتاری رسمی را در کنار فارسی نوشتاری رسمی داشته‌ایم، چه در بخارا، چه در غزنه و بعد در قزوین و اصفهان و بالاخره در تهران؛ یعنی زبان گفتاری فرهیختگان و دولتیان در همه مناطقی که فارسی نوشتاری رایج بوده، وجود داشته است؛ بنابراین، نظر بعضی که می‌پندارند فارسی گفتاری امروز همان گویش تهران قدیم است، درست نیست، زیرا وقتی در دوره قاجاریان، که تهران رسماً مرکز ایران گردید و درباریان - شامل امرا و دیوانیان و سپاهیان مرکز و فضلا - به آنجا رفتند، اینان گویش تهرانی را زبان گفتاری رسمی خود قرار ندادند، بلکه به فارسی گفتاری رسمی، یعنی زبان اهل فضل و تحصیل‌کردگان صحبت کردند و اصولاً نیازی به گویش تهران نداشتند، بویژه که سخن گفتن به لهجه را دون شأن خود می‌دانستند.

از طرفی تهران شهری بزرگ نبوده است که گویش آن حتی به اندازه گویشهای دیگر اعتبار داشته باشد. یاقوت در قرن هفتم هجری نوشته که "تهران از روستاهای ری است و میان آن روستا و ری یک فرسخ فاصله است و آن آبادی

بزرگی است که بیوتات آن را زیرزمین ساخته‌اند و احدی را به این قریه راه نمی‌باشد، مگر اینکه اهل قریه خود بخواهند و بارها بر سلطان وقت یاغی شده‌اند و سلطان جز مدارا کردن با ایشان چاره‌ای ندارد. این آبادی به دوازده محله تقسیم شده است. اهل هر محله با محله دیگر منازعه می‌نمایند و مردم هر محل به محله دیگر نمی‌روند. باغها و بستانهای زیاد دارد و همین نکته اسباب حراست اهالی و دفع دشمن از ایشان است و با وجود محروث بودن، با گاو زراعت نمی‌کنند و زراعت ایشان دستی و به مرور است، زیرا می‌ترسند بعضی از آنها، دواب بعضی دیگر را به غارت برند.^۱

شاه عباس هنگام عزیمت به خراسان ۵۱ روز در تهران می‌ماند و لعن و نفرین می‌کند کسی را که از خارج به تهران بیاید و شب را در آنجا بماند.

پردولا واله در سال ۱۰۲۷ قمری تهران را چنین توصیف می‌کند: شهری است وسیع که از کاشان بزرگتر است ولی جمعیت آن زیاد نیست و خانه‌های بسیار هم ندارد ولی در عوض دارای باغهای بسیار بزرگ است...^۲

البته فارسی گفتاری بی‌شک تأثیرات کمی هم از لهجه تهرانی پذیرفته و متقابلاً لهجه تهرانی زیر نفوذ فارسی گفتاری رسمی سخت دگرگون شده و به فارسی گفتاری رسمی بسیار نزدیک گردیده است، با این همه هنوز بعضی از ویژگیهای خود را حفظ کرده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱ - سیفی قمی تفرشی، تهران در آئینه زمان، ۱۳۶۹، صص ۱۷-۱۱.

۲ - همان

وجود شناسه سوم شخص مفرد در ماضی: اومدش بجای اومد. کوشن بجای کجا هستند. کوشی بجای کجا هستی. دیده‌تش بجای دیده او را. کوشش، کجاست؟ شکوندن متعدی شکستن. ایناهاشش (اینجاست)، اوناهاشش (اونجاست)، واسه بجای برای. آره بجای آری (بلی)، اون یکی کتاب بجای آن کتاب، چش بجای چشم ...

از لهجه تهرانی ظاهراً اطلاعی در دست نیست، جز اشعاری که ملاسحری طهرانی به این لهجه سروده است.

ملاسحری در قرن یازدهم می‌زیسته، زیرا تالیف تذکره نصرآبادی که این اشعار از آن نقل شده در سال ۱۰۸۳ آغاز گردیده است. زبان این اشعار بخوبی نشان می‌دهد که چقدر با فارسی معیار متفاوت است.

اشعار ملاسحری:

کی بو که همچو دسته گل، گل دیم من ز در درآ
هم شو غم بشو و هم دوره بد به سردرآ
طفلی بخورد خون ما که اگر تو دهانشا
ماچ کنی هزار جا، شیر بجه شکر درآ

* * *

بگو چشان چه مشم دل نمی‌دهد در شم
همین میخوم که به این سر پیام و آن سر شم

* * *

از مالچوش دسته بتوشه جنبانم
قربان سنگشم که گل از جاش میشکفه

* * *

چپ میا، راست مشو، گنده میگه در میزنه
اله من حق می‌زنم مسته و خنجر می‌زنه
می‌پرد چشم چپم، یار میا پنداری
پسرک عشق جوانی که کیه در می‌زنه

کافر و گورو مسلمان همه را بزمایم راستش اینه که ترازو همیشان سر می‌زنه

* * *

زر، کس ناکس و اصلی می‌کنه جو خسر لاغرا مصری می‌کنی

* * *

اگه عاشق نیم آهم چه چیه اگه هم، کوش و کلاهم چه چیه
می‌کشی خنجر و مهلی و مشی نمی‌دانم که گناهم چه چیه
خدا نخواسته من از بوسه خویشن بکشم اگه سی دک و دیم ترا کوه هوه

* * *

گل دیمم تا که به ملا نمی‌شو سوته جانم به تماشا نمی‌شو
مده پیغام که اینها قصه‌اس تا ترا نینه دلم وانمی‌شو^۱
ز فل را واکه اگه دل می‌بری مگر تا شو نوینه جا نمی‌شو^۲

به هر حال فارسی گفتاری زبان گفتاری تحصیل کردگان و خواص و کارمندان دولت در همه ادوار بوده است. از زمان اشکانیان تاکنون در دوره معاصر به سبب وجود رادیو و تلویزیون و سهولت ارتباطات و تقریباً همگانی شدن سواد، فارسی گفتاری بسیار گسترده گشته و اکثر مردم حتی در اقصی نقاط کشور با آن آشنا

۱- معنی اکثر ابیات مشخص نیست معنی دو بیت آخر چنین است:

پیغام نده زیرا اینها قصه است تا دلم ترا نبیند باز نمی‌شود:

زلف را باز کن اگر می‌خواهی دل ببری؛ زیرا مرغ تا شب را نبیند (شب نشود) به لانه نمی‌رود.

۲- طاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، چاپ سوم، ۱۳۶۱، صص ۴۰۹-۱۰.

هستند و اغلب بویژه در شهرها آن را به کار می‌برند؛ بنابراین توصیف و تدوین آن پس از فارسی نوشتاری در اولویت است. از طرفی خارجیانی که فارسی می‌آموزند، علاوه بر فراگرفتن فارسی نوشتاری نیاز دارند که فارسی گفتاری رسمی را نیز بیاموزند و بسیاری از آنان فقط به فراگرفتن فارسی گفتاری نیاز دارند.

به هر حال نگارنده برای اولین بار به نوشتن دستور زبان گفتاری به نام دستور زبان عامیانه فارسی پرداخت (چاپ امیرکبیر سال ۱۳۴۳، مشهد)؛ اما چون براساس علم زبانشناسی توصیف نشده بود، بعضی از دوستان مکرر از بنده خواستند که فارسی گفتاری را از دیدگاه علم زبانشناسی توصیف کنم. توصیف فارسی گفتاری در این کتاب بر پایه گفتارهایی است که ضبط شده، بیشتر گفتارهای اشخاص در میزگردها و همچنین نوشته‌هایی که عیناً از زبان اشخاص داستان به فارسی گفتاری نقل شده است.

در این دستور اصل بر آن بوده که به موارد افتراق دستور فارسی گفتاری با فارسی نوشتاری پرداخته شود؛ اما برای گسسته نشدن مطالب به بعضی از مشترکات به اختصار تمام اشاره گردیده است، بویژه در مواردی که مطالب دستورها نادرست به نظر می‌رسید.

به هر حال، با همه تلاشی که در توصیف دستور زبان فارسی گفتاری در این پژوهش شد تا کار بی‌نقص باشد، بی‌شک این کار نه بدون اشکال است و نه توصیف کامل. (نگارنده پیوسته در صدد تکمیل آن است) امید است با راهنمایی دستوریان نقایص آن برطرف گردد.

این پژوهش شامل سه بخش است: تغییرات آوایی فارسی گفتاری، دستور زبان، نوای گفتار (زبرزنجیرها).

در پایان از دوستان و دانشجویانی که در کار این پژوهش زحمت کشیده‌اند، بویژه دوستم آقای علی بابک سپاسگزارم.

تقی وحیدیان کامیار